

Analysis of the narration of "Sabzeh ghaba" based on the archetype of "Hero's Journey" by Joseph Campbell and Eric Berne's theory of Tibi Kahler

Soudabeh Safari Senegani *

Bahman Namvar motlagh **

Abstract

The narrative of "Sabzeh ghaba" is one of the folk tale, how trajectory of hero in mythic journey in story of "sabze ghaba" Based on monomythic model of Campbell's hero's journey Also, identification of protagonist's psychological Tibi Kahler based on T.A. theory, is main issue of research. This research purpose is study of subconscious mind of story audience and find out narrative motivation of story of hero's journey in mythic story of "Sabzeh ghaba". This article analyzes story of "Sabzeh ghaba" with mythological and psychological approach. This study shows that total levels of initiation and departure levels exist in pattern of hero's journey theory and return levels do not see in story of "Sabzeh ghaba". In addition, research proves existence of interaction between psycho-moral and narrative motives in formation of symbolic story of "Sabzeh ghaba". This study also concludes that going through personality development as an archetype in collective unconscious in human beings is trans-regional value. This research shows existence of Tibi Kahler "be hardworking" in the draft of the protagonist's life. Therefore, this study concludes that Eric Berne's Tibi Kahler theory is reflected in tests of Campbell's hero's journey; And indicates existence of Tibi Kahler in Iranian mythology. Research method is descriptive-content analysis and data collection is field and library.

Keywords: Joseph Campbell, hero's journey, Eric Berne, Tibi Kahler, Sabzeh ghaba.

*(Corresponding Author). PhD student of Islamic art, Tabriz University of Islamic Art, Tabriz. Iran. S.safari@tabriziau.ac.ir

** Associate Professor, Department of French Language and Literature, Shahid Beheshti University of Tehran, Tehran. Iran. bnamvar@gmail.com

This article has been taken from the classroom of the doctoral course titled "Language and Expression of Contemporary Islamic Arts" which was conducted by Bahman Namvar Mutlagh at Tabriz University of Islamic Art.

Date received: 2021/10/13, Date of acceptance: 2022/04/19



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

تحلیل روایت «سبزه‌قبا» براساس نظریه «سفر قهرمان» جوزف

کمپبل و نظریه سوق‌دهنده‌های اریک برن

(مقاله پژوهشی)

سودابه صفری سنجانی*

بهمن نامور مطلق**

چکیده

روایت «سبزه‌قبا» یکی از افسانه‌های عامیانه مشهور سنجان است. چگونگی خط سیر قهرمان در سفر اسطوره‌ای سبزه‌قبا براساس الگوی تک‌اسطوره سفر قهرمان کمپبل و همچنین شناسایی سوق‌دهنده روانی قهرمان داستان براساس نظریه مسئله اصلی این پژوهش است. هدف این پژوهش شناخت کهن‌الگوی سفر قهرمان در داستان اسطوره‌ای «سبزه‌قبا»، مطالعه ضمیر ناخودآگاه جامعه مخاطبان داستان و پی‌بردن به انگیزه روایتی داستان فوق است. این نوشتار با رویکرد اسطوره‌شناسی و روان‌شناسی به تحلیل داستان سبزه‌قبا می‌پردازد. روش انجام این پژوهش، توصیفی تحلیل محتوا و جمع‌آوری اطلاعات به صورت میدانی و کتابخانه‌ای است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که تمام مراحل الگوی کمپبل به‌جز چهار مؤلفه آخر مرحله بازگشت، در داستان سبزه‌قبا وجود دارد. به‌علاوه، این پژوهش گواه وجود تعامل بین انگیزه‌های روانی-اخلاقی و روایی در شکل‌گیری داستان نمادین سبزه‌قبا است. همچنین نتیجه این تحقیق

* (نویسنده مسئول) دانشجوی دکتری هنر اسلامی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، ایران.

S.safari@tabriziau.ac.ir

** دانشیار گروه زبان و ادبیات فرانسه، دانشگاه شهید بهشتی تهران، ایران . bnamvar@gmail.com

این مقاله مستخرج از کلاس درسی دوره دکتری با عنوان "زبان و بیان هنرهای اسلامی معاصر" است که توسط بهمن نامور مطلق در دانشگاه هنر اسلامی تبریز انجام گرفته است.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۲۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۳۰



Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others, and adapt the material for any purpose.

۲۳۹ تحلیل روایت «سبزه‌قبا» براساس نظریه «سفر قهرمان» جوزف کمپبل و نظریه سوق‌دهنده‌های اریک برن (صفری سنجانی و نامور مطلق)

نشان می‌دهد که طی کردن رشد شخصیتی به‌عنوان یک کهن‌الگو، در ضمیر ناخودآگاه جمعی در انسان، ارزشی فرامنطقه‌ای محسوب می‌شود. به‌علاوه، این پژوهش نتیجه می‌گیرد که نظریه سوق‌دهنده (رانه)‌های اریک برن در قسمت آزمون‌های نظریه سفر قهرمان کمپبل به‌خوبی بازتاب یافته است و وجود سوق‌دهنده‌های مذکور را در این افسانه ایرانی ثابت می‌کند.

کلیدواژه‌ها: جوزف کمپبل، سفر قهرمان، اریک برن، سوق‌دهنده، سبزه‌قبا.

۱. مقدمه و بیان مسأله پژوهش

بسیاری از داستان‌های اساطیری قابلیت زیادی برای رمزگشایی کهن‌الگویی دارند و از آنجایی که ارتباط تنگاتنگی بین اسطوره و کهن‌الگو وجود دارد، در بیشتر موارد نقد اسطوره‌ای را نقد کهن‌الگویی نیز می‌خوانند. «اساساً جدایی میان دو شیوه نقد اسطوره‌ای و نقد کهن‌الگویی محسوس نیست و این دو ملازم یکدیگرند. منتقدان این شیوه، عمیقاً در جست‌وجوی صورت‌های مثالی و کهن‌الگویی در آثار ادبی هستند.» (امامی، ۱۳۷۷: ۲۱۸). یونگ از جمله روان‌کاوانی است که مطالعات ارزنده و گسترده‌ای در مورد کهن‌الگو و ضمیر ناخودآگاه داشته است. از بین روان‌شناسان پیرو یونگ، جوزف کمپبل با ارائه کهن‌الگوی یگانه سفر قهرمان، عرصه‌ای جدید در نقد کهن‌الگویی پدید آورد. جوزف کمپبل^۱ بخش قابل توجهی از آثار خود را به اسطوره‌شناسی تطبیقی اختصاص داده است. مهم‌ترین نظریه‌ای که کمپبل در زمینه اسطوره مطرح کرد و براساس آن در اسطوره‌شناسی شهرت پیدا کرد، تک‌اسطوره است. وی در رساله‌ای با عنوان «قهرمان هزار چهره» این نظریه را ارائه کرد (نامور مطلق، ۱۳۹۲: ۱۸۹ و ۲۰۰). «تک‌اسطوره یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین نظریه‌ها و روش‌های اسطوره‌شناسی محسوب می‌شود. در عین حال، این نظریه ساختارگراترین نظریه اسطوره‌شناسی است، زیرا بیش از هر نظریه دیگر، بر اشتراکات اسطوره‌ای تأکید می‌ورزد. بر همین اساس، تک‌اسطوره برای همه اسطوره‌ها با تمام ویژگی‌های گوناگون آن‌ها وجوه مشترکی می‌یابد که موجب می‌شود همگی یک اسطوره بزرگ، یعنی اسطوره قهرمان را بازنمایی کنند» (همان: ۲۴۶).

کمپیل با تقسیم سفر قهرمان به سه مرحله عزیمت، تشریف و بازگشت (همان: ۹۲)، نظریه‌ای را ارائه داد که قابلیت فراوانی برای تجزیه و تحلیل تطبیقی داستان‌های اسطوره‌ای و افسانه‌ای دارد. از منظری دیگر، آنچه در داستان‌های اسطوره‌ای و افسانه‌ای اهمیت دارد، ارزش و قدرتی است که نقش مهمی در آگاهی دادن از روان انسان در ابعاد فردی و اجتماعی ایفا می‌کند.

لاکان، زبان را که شامل ارزش‌های فرهنگی یک قوم است، در پیچه‌ای برای شناخت ابعاد روانی و فرهنگی و ناخودآگاه آن قوم می‌داند. فروید معتقد است که بخش قابل توجهی از خواسته‌های بشری در ناخودآگاه قرار دارد (فروید، ۱۳۸۲: ۳۳۵). یونگ نیز در روان‌شناسی تحلیلی، مفاهیم ناخودآگاه جمعی را مطرح می‌کند. به علاوه، اریک برن از نظریه پردازانی است که به تأثیرات ناخودآگاه از منظر T.A و معرفی آسیب‌های موجود در روابط انسانی در قالب پیش‌نویس‌های زندگی می‌پردازد. نظریه T.A (تحلیل رفتار متقابل) که توسط وی در سال ۱۹۵۰ میلادی ارائه شد، در زمینه حل مشکلات رفتاری، ابزاری در جهت رشد شخصیتی افراد محسوب می‌شود. تحلیل رفتار متقابل نظریه‌ای در روان‌شناسی است که بر روابط انسانی و شخصیتی فرد تمرکز دارد. این نظریه به افراد در آسیب‌شناسی رفتاریشان کمک می‌کند تا بتوانند به قهرمان سفر زندگی خود تبدیل شوند. در این مقاله ابعاد روانی و شخصیتی قهرمان داستان سبزه‌قبا تجزیه و تحلیل می‌شود.

از نظریه T.A می‌توان برای شناسایی ابعاد روان‌شناختی افراد جامعه با تمرکز بر داستان‌ها و افسانه‌های آن جامعه بهره گرفت. داستان‌ها، منعکس‌کننده بخش مهمی از میراث فرهنگی و ارزش‌های سنتی و روان‌شناختی هر جامعه هستند. چگونگی انطباق خط سیر قهرمان در سفر اسطوره‌ای داستان سبزه‌قبا با الگوی تک‌اسطوره سفر قهرمان کمپیل و شناخت سوق‌دهنده روانی قهرمان داستان، مسئله اصلی این پژوهش است. هدف این پژوهش پی‌بردن به انگیزه روایتی داستان و مطالعه ضمیر ناخودآگاه جامعه مخاطبان داستان به واسطه بازخوانی رمزگرایانه اسطوره‌ای «سبزه‌قبا» است. این پژوهش با رویکرد روان‌شناسی و اسطوره‌شناسی انجام می‌شود و روش انجام این پژوهش، توصیفی تحلیل محتوا و جمع‌آوری اطلاعات به صورت میدانی و کتابخانه‌ای است.

۲۴۱ تحلیل روایت «سبزه‌قبا» براساس نظریه «سفر قهرمان» جوزف کمپبل و نظریه سوق‌دهنده‌های اریک برن (صفری سنجانی و نامور مطلق)

۲. پیشینه پژوهش

جوزف کمپبل در کتاب *قهرمان هزار چهره*، عرصه جدیدی در نقد کهن‌الگویی پدید آورد. در این کتاب مراحل سفر قهرمان به‌طور کامل توضیح داده شده است. پس از او، کریستوفر ووگلر (Christopher Vogler) براساس نظریه کمپبل دست به تحلیل و مطالعه زد که الگوی دوازده‌مرحله‌ای سفر قهرمان او از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از میان پژوهش‌های داخلی، کتاب *درآمدی بر اسطوره‌شناسی* نوشته بهمن نامور مطلق (۱۳۹۲) از منابع اصلی در این زمینه محسوب می‌شود. به‌علاوه، از جمله پژوهش‌هایی که با رویکرد نظریه تک‌قهرمان کمپبل انجام شده است، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: رحمان ذبیحی و پروین پیکانی (۱۳۹۵) در مقاله «تحلیل کهن‌الگوی سفر قهرمان در *داراب‌نامه* طرطوسی براساس الگوی جوزف کمپبل» نشان داده‌اند که در داستان فوق، قهرمان داستان به برکت نهایی دست می‌یابد. نصرالله امامی و دیگران (۱۳۹۴) در مقاله «بررسی و تحلیل منظومه مانلی نیمایوشیج براساس الگوی سفر قهرمان جوزف کمپبل» نتیجه گرفته‌اند که نیما در آفرینش شخصیت مانلی، تجربه‌های زندگی شخصی خود را مد نظر داشته است. سارا حسین پور (۱۳۹۱) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «بررسی سفر در مجموعه پارسیان و من با رویکرد یونگی» به سفر و تأثیراتش بر جذابیت یک اثر به‌ویژه رمان برای نوجوانان پرداخته است. محمدجعفر یاحقی و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله «مطالعه برخی از افسانه‌های ایرانی با تکیه بر الگوی خودآگاهی در جنگل جهان زیرین استس» عدم تطابق مطلق افسانه‌های مورد مطالعه را از نظر ساختار و محتوا با «الگوی خودآگاهی در جنگل جهان زیرین» نتیجه گرفته‌اند. محمدجواد مهدوی و نسترن قره‌باغی (۱۳۹۹) در مقاله «بررسی سفر قهرمان در رمان *سه‌گانه آشوزدنگه* اثر آرمان آرین براساس الگوی سفر قهرمان جوزف کمپبل» نتایجی دال بر عدم انطباق کامل الگوی سفر قهرمان کمپبل برای بررسی همه رخدادهای داستانی گرفته‌اند. سهیلا لویمی (۱۳۹۷) در مقاله «تحلیل سفر عرفانی شهریار براساس نظریه جوزف کمپبل» با تأکید بر اشعار

عرفانی شهریار، سیر و سفر او را از عشق به عرفان از مسیر تکاملی کمپیل، تطبیق می‌دهد. سعید اخوانی و فتانه محمودی (۱۳۹۷) در مقاله «مطالعه تطبیقی در اساطیر ایران و شرق دور» «اسطوره سیاوش ایران و کوتان اوتونای قوم آینو با رویکرد جوزف کمپیل» نتیجه گرفته‌اند که انسان دوران اسطوره‌ای، دارای اصول معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی مشترکی بوده‌اند که در اسطوره‌ها بازتاب یافته است.

در حوزه ارتباط روان‌شناسی و اسطوره نیز مطالعات با فروید آغاز شد. از جمله می‌توان به کتاب تفسیر خواب وی اشاره کرد که در آن به ارتباط بیماری‌های روانی و اسطوره‌ها می‌پردازد. همچنین او به عقده ادیپ می‌پردازد که حاصل خوانش او از اسطوره ادیپوس است. او رؤیاهای اساطیر را جلوه اضطراب بشر می‌داند. از دیگر مطالعات انجام‌شده در زمینه نقد روان‌شناسی و اسطوره می‌توان به آثار کارل آبراهام (karl Abraham) از پیروان فروید، اشاره کرد. از جمله این مطالعات، کتاب رؤیاهای اسطوره‌ها (۱۹۱۳) است. در این کتاب آبراهام با دیدگاه روان‌کاوانه به رمزگشایی افسانه‌ها پرداخته است. همچنین هوسچر (Julius Heuscher) نیز در کتاب بررسی روان‌پزشکی افسانه‌ها و قصه پریان (۱۹۷۴) رویکردهایی را برای تحلیل افسانه‌ها بیان کرده است. از بین مطالعات ایرانی در زمینه روان‌شناسی و ادبیات نیز می‌توان به کتاب تحلیل‌های روان‌شناختی در هنر و ادبیات نوشته محمد صنعتی (۱۳۸۰) اشاره کرد که در آن برخی از آثار هنری و ادبی بررسی شده‌اند. همچنین کتاب صادق هدایت و روان‌کاوی آثارش، اثر محمد ابراهیم شریعتمداری (۱۳۵۴) به نمایاندن روحیه و افکار صادق هدایت از ویرای آثارش می‌پردازد. به‌علاوه، پژوهش‌هایی نیز در زمینه روان‌شناسی TA و ادبیات نگاشته شده است که به چند نمونه از آن‌ها اشاره می‌شود.

احمد رضی و سمیه حاجتی (۱۳۹۱) در مقاله «تحلیل رفتار متقابل شخصیت‌ها در داستان شیروگاو از کلیله و دمنه» پیوستگی روابط بین شخصیت‌های داستان را ثابت کرده‌اند و روابط آن‌ها را در آغاز از نوع سازنده، ولی در ادامه از نوع متقاطع دانسته‌اند که منجر به بروز اختلال در رفتار می‌شود. حسین حسینی پور و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله «تحلیل رفتار متقابل شخصیت‌ها براساس نظریه شخصیت برن در مرزبان‌نامه» روابط متقابل شخصیت‌های داستان

۲۴۳ تحلیل روایت «سبزه‌قبا» براساس نظریه «سفر قهرمان» جوزف کمپبل و نظریه سوق‌دهنده‌های اریک برن (صفری سنجانی و نامور مطلق)

را از نوع متقاطع دانسته و رفتارها را در جهت تأمین اهداف شخصی نتیجه گرفته‌اند که منجر به اختلال در رفتار می‌شوند. حسین رزی فام و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله «تحلیل رفتار متقابل جنبه بالغ و والد در شخصیت‌های داستانی مثنوی براساس نظریات اریک برن» جنبه والد و بالغ را در گفتار و رفتار شخصیت‌های مثنوی تحلیل کرده‌اند. جست‌وجوی ما در میان آثار منتشر شده نشان می‌دهد که تحقیقات داخلی انجام شده با رویکرد سفر قهرمان کمپبل و در موارد نادری هم پژوهش‌هایی در زمینه داستان‌های ایرانی با رویکرد TA تنها به تحلیل روایت‌های مکتوب پرداخته‌اند و به افسانه‌های شفاهی بومی در این زمینه پرداخته نشده است؛ درحالی‌که روایت‌های شفاهی بخش مهمی از مسائل قابل تحلیل را در خود حمل می‌کنند. همچنین در مطالعات انجام شده با رویکرد TA نیز، هیچ روایت شفاهی و مکتوبی به بررسی سوق‌دهنده‌ها نپرداخته‌اند و نیز تاکنون تحلیل داستان تمثیلی «سبزه‌قبا» با رویکرد نظریه تک اسطوره‌ی جوزف کمپبل و TA انجام نشده است که در پژوهش پیش‌رو مورد بررسی قرار می‌گیرد.

درباره اهمیت و ضرورت این پژوهش می‌توان گفت تحقیقات داخلی انجام شده با رویکرد سفر قهرمان کمپبل، بر روی روایت‌های مکتوب متمرکز شده‌اند و در این زمینه به افسانه‌های شفاهی بومی و محلی کمتر پرداخته شده است. این پژوهش با کمک نظریه کمپبل به شناخت چگونگی بازتاب کهن‌الگوی نهفته در روایت شفاهی بومی و عامیانه «سبزه‌قبا» کمک می‌کند. با توجه به حجم محدود تحقیقات انجام شده در زمینه نقد اسطوره‌ای روایات شفاهی بومی-محلی، انجام پژوهش‌هایی با رویکرد اسطوره‌کاوی در زمینه بازخوانی افسانه‌های بومی ضروری به نظر می‌رسد. به علاوه، از آنجایی که افسانه‌ها به بهترین شکل مسائل روانی مدفون شده در ناخودآگاه را بیان می‌کنند، تحلیل افسانه‌ها در ریشه‌یابی سوق‌دهنده‌های روانی و رشد شخصیتی افراد جامعه بسیار مؤثر است.

همچنین این پژوهش از لحاظ روش، کیفی است و به شیوه توصیفی تحلیل محتوا، با رویکرد روان‌شناسی و اسطوره‌شناسی انجام شده است. همچنین در جمع‌آوری اطلاعات این پژوهش، از روش میدانی و منابع کتابخانه‌ای بهره گرفته شده است. این تحقیق در پی پاسخگویی به این دو پرسش است: (۱) خط سیر سفر اسطوره‌ای قهرمان در داستان افسانه بومی و محلی سبزه‌قا به چه میزان با الگوی تک‌اسطوره‌ی سفر قهرمان جوزف کمپبل مطابقت دارد؟ (۲) در تطابق با نظریه جوزف کمپبل، آیا قهرمان داستان سبزه‌قا در طی سفر و تکامل روحی با سوق‌دهنده‌های روانی خود مواجه می‌شود؟ و آیا سوق‌دهنده‌های روانی اریک برن در نظریه T.A در افسانه‌های ایرانی بازتاب یافته است؟

۳. مبانی نظری تحقیق

نظریه تک‌اسطوره مهم‌ترین نظریه جوزف کمپبل، اسطوره‌شناس آمریکایی (۱۹۸۷-۱۹۰۴) است که در کتاب *قهرمان هزار چهره* به آن پرداخته است. کمپبل سفر درونی انسان را در قالب سفر قهرمان اساطیری مطرح می‌کند و معتقد است در ضمن این سفر، قهرمان به تحول درونی دست می‌یابد. «قهرمان از زندگی روزمره دست می‌کشد و سفری مخاطره‌آمیز به حیطة شگفتی‌های ماوراءالطبیعه را آغاز می‌کند، با نیروهای شگفت در آنجا روبه‌رو می‌شود و به پیروزی قطعی دست می‌یابد.» (کمپبل، ۱۳۹۲: ۴۰). سیر تحول سفر قهرمان از نظر کمپبل در سه مرحله عزیمت، آیین تشریف و بازگشت تشکیل می‌شوند (نامور مطلق، ۱۳۹۲: ۲۰۵ و ۲۰۶). قهرمان اسطوره‌ای در طول سفر خود به سوی آستان سیروسلوک می‌رود. او «در آنجا با سایه‌ای روبه‌رو می‌شود که از گذار، نگهبانی می‌کند. قهرمان ممکن است این نیرو را شکست دهد یا با آن به آشتی برسد و زنده، قدم به قلمروی تاریکی گذارد (نبرد با برادر، نبرد با اژدها، تقدیم پیشکش، طلسم)؛ یا اینکه نیروی مخالف او را بکشد تا به قلمروی مرگ فرو رود (مثله شدن، بر صلیب رفتن). در آن سوی آستان، قهرمان در جهانی

۲۴۵ تحلیل روایت «سبزه‌قبا» براساس نظریه «سفر قهرمان» جوزف کمپبل و نظریه سوق‌دهنده‌های اریک برن (صفری سنجانی و نامور مطلق)

سفر آغاز می‌کند که نا آشنا و درعین حال سرشار از نیروهایی است که غریبانه آشنایند. (کمپبل، ۱۳۹۲: ۲۵۲). این نیروهای غریبانه در افسانه‌های دیووپریان به‌خوبی دیده می‌شوند. بتلهایم (Bruno Bettelheim) معتقد است که اسطوره‌ها و افسانه‌های پریان با اشارات و نمادها سخن می‌گویند که نماینده محتویات ناخودآگاه است (بتلهایم، ۱۳۸۹: ۶۵). به اعتقاد فروید، خاطرات انسان به وساطت مکانیسم فرافکنی، صورت خارجی پیدا کرده و موجودات افسانه‌ای مانند غول، دیو و پری را می‌آفرینند (برفر، ۱۳۸۹: ۳۰). افسانه‌ها حامل رسالت انسان هستند. سفر قهرمان مسیری در جهت اکتشاف و تغییر درونی است. از نظر کمپبل، سفر قهرمان تمام اساطیر از یک ساختار کلی با سه مرحله فوق پیروی می‌کنند؛ تنها در جزئیات با هم متفاوت هستند و چگونگی جزئیات آن در هر روایتی با بررسی دقیق مشخص می‌شود. این پژوهش در قالب نظریه تک‌اسطوره جوزف کمپبل و در مرحله آزمون‌های سفر قهرمان، با تأکید بر نظریه سوق‌دهنده‌ها در TA داستان سبزه‌قبا را تحلیل می‌کند. به نظر می‌رسد نظریه کمپبل و برن می‌توانند مکمل هم باشند و تلفیق آن‌ها می‌تواند الگوی خوبی برای تحلیل روایت‌هایی باشد که قهرمان داستان در طی سفرش در قالب آزمون‌هایی با ناخودآگاهش روبه‌رو می‌شود.

TA (تحلیل رفتار متقابل) نظریه‌ای در روان‌شناسی است که توسط اریک برن در سال ۱۹۵۰ میلادی ارائه شد. این نظریه طی یک نظام روان‌درمانی در درمان انواع اختلالات روانی به کار می‌رود. یکی از نظریات تحلیل رفتار متقابل بحث سوق‌دهنده‌های روانی است که در مبحث پیش‌نویس‌های زندگی معرفی می‌شوند. پیش‌نویس‌های زندگی در تئوری TA، حاصل پیام‌های دریافت شده فرد در زمان کودکی است که براساس آن فرد تصویری از نقش خود را در زندگی طرح‌ریزی می‌کند. این نقش توسط خود فرد، والدین یا دیگران

تقویت می‌شود. پیش‌نویس‌های زندگی که اریک برن آن را معرفی می‌کند انواع مختلفی دارند و حامل پیام‌هایی هیجانی به نام مهارها هستند. این مهارها توسط پنج نوع رفتار که به آن‌ها سوق‌دهنده یا رانه (Injunction) گفته می‌شود، پوشش داده می‌شوند. این سوق‌دهنده‌ها به‌عنوان نوعی از رفتارهای خاص و مشخص در روان همه انسان‌ها وجود دارند که در ذیل پیش‌نویس‌های زندگی طبقه‌بندی می‌شوند و جایگاه خاصی در کنش‌های انسان دارند. سوق‌دهنده‌ها، یک وضعیت خوب بودن شرطی را انعکاس می‌دهند (جونز و استوارت، ۱۳۹۸: ۳۲۵). این سوق‌دهنده‌ها، محرک‌هایی روانی هستند که به تدریج وارد پیش‌نویس‌های کودک می‌شوند و عبارت‌اند از: کامل باش، دیگران را خشنود کن (دیگران را راضی نگه دار)، سخت‌کوش باش، قوی باش، عجله کن (همان: ۳۱۷ — ۳۱۹). از آنجایی که سوق‌دهنده‌های روانی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های پیش‌نویسی در همه مراحل مهم و آزمون‌های زندگی خود را نشان می‌دهند، بنابراین به نظر می‌رسد در سفر قهرمان کمپیل نیز سوق‌دهنده‌ها در مرحله آزمون‌ها نمود می‌یابند که در این پژوهش در خلال مراحل سفر قهرمان کمپیل، بررسی خواهند شد.

۴. بحث و بررسی: تحلیل و بررسی داده‌ها

۴-۱. خلاصه داستان «سبزه‌قبا»

این پژوهش براساس روایت داستان فولکلور سبزه‌قبا شکل گرفته است که به‌عنوان یک قصه بومی و محلی در منطقه سنجان از شهرستان‌های استان مرکزی در بین عوام به صورت شفاهی رواج دارد. این روایت مربوط به قهرمانی است که رهسپار سفری نمادین می‌شود. خلاصه داستان از این قرار است:

۲۴۷ تحلیل روایت «سبزه‌قبا» براساس نظریه «سفر قهرمان» جوزف کمپبل و نظریه سوق‌دهنده‌های اریک برن (صفری سنجانی و نامور مطلق)

روزی دختری به نام «بی‌بی‌هما» که به فراگیری هنر گیوه‌بافی^(۱) مشغول است، مادر خود را از دست می‌دهد و پدر دختر، همسر جدیدی اختیار می‌کند. نامادری دختر، انسان بدجنسی است و همواره دختر را مجبور می‌کند روزانه بیش از حد معمول و بیشتر از تاب و توانش جوراب‌بافی بکند. روزی نخ گیوه‌بافی دختر درون یک دره بزرگ و تاریک با درختان فراوان می‌افتد. دختر از گفته‌های مادرش یاد می‌کند که در آن دره یک قلعه وجود دارد و دیوی هم در آنجا زندگی می‌کند؛ طوری که دقیقاً تمام آنچه که مادرش برای او تعریف کرده بود را عیناً ملاحظه می‌کند.

مادرش به او گفته بود در این قلعه یک چشمه آب سیاه‌رنگ و نیز یک چشمه آب زلال و گوارای نوشیدن وجود دارد و به او سفارش کرده بود اگر روزی به آن قلعه رسید، دست و صورت خود را در چشمه آب زلال بشوید و سپس مقداری از آن آب گوارا بنوشد. دخترک تو صیبه مادرش را انجام می‌دهد و پس از نوشیدن از چشمه آب زلال، به طرز معجزه‌آسایی زیبا و خوش‌اندام می‌شود. دیو آن قلعه دارای پسری بود به نام «سبزه‌قبا» که با دیدن دختر، دل‌باخته وی می‌شود. مادر سبزه‌قبا در آرزوی ازدواج پسرش با خواهر زاده خویش بود، در صورتی که سبزه‌قبا او را نپسندیده بود. مادر سبزه‌قبا پس از اطلاع از علاقه و میل سبزه‌قبا به ازدواج با بی‌بی‌هما، دچار انزجار از بی‌بی‌هما شده و او را مورد خشم و آزار خویش قرار می‌دهد. به این ترتیب به بی‌بی‌هما دستور انجام کارهای ناممکن را می‌دهد. به عنوان مثال به تمیز کردن حیاط قلعه امر می‌کند درحالی که حیاط قلعه قابل تمیز شدن نبوده و با هربار پاک‌سازی، سریعاً و مجدداً به حالت اول بازمی‌گشت. بی‌بی‌هما متوجه انجام‌ناپذیری این کار شده، بی‌تاب می‌شود و آه می‌کشد. در این هنگام سبزه‌قبا ظاهر شده و جویای حال و دلیل غم‌واندوه بی‌بی‌هما می‌شود. بی‌بی‌هما هرآنچه که بر او گذشته را برای سبزه‌قبا بیان می‌کند.

سبزه‌قبا وردی خوانده و حیاط قلعه تمیز و پاک می‌شود و به بی‌بی‌هما توصیه می‌کند که به مادرش در مورد انجام این کار، که توسط سبزه‌قبا انجام شده است، چیزی نگوید. پس از مدتی، دیو مجدداً درخواست شدست و شوی ظروف را در زمان مقرر شده عروسی سبزه‌قبا با دخترخاله‌اش از بی‌بی‌هما می‌کند. این درحالی است که آن ظرف‌ها نیز غیرقابل پاک شدن هستند؛ زیرا ظروف نیز پس از شدستن توسط بی‌بی‌هما در همان لحظه مجدداً کثیف می‌شدند. این بار نیز سبزه‌قبا به یاری بی‌بی‌هما می‌شتابد. مادر سبزه‌قبا که متوجه دست‌داشتن سبزه‌قبا در این امور می‌شود، عصبانی شده و دست به آزار بی‌بی‌هما می‌زند. او چند شمع را روی انگشتان بی‌بی‌هما قرار داده و به او دستور می‌دهد که تا اتمام این شمع‌های روشن، آن‌ها را بر روی انگشتان خود نگه دارد. درحالی که شمع‌ها بر دستان بی‌بی‌هما در حال سوختن بودند، او به سبزه‌قبا می‌گوید: «سبزه‌قبا، دستم سوخت» و سبزه‌قبا هم به بی‌بی‌هما می‌گوید: «بی‌بی‌هما، دلم سوخت». سبزه‌قبا وردی خوانده و تمام شمع‌ها خاموش می‌شوند. بادی می‌وزد. دیو، شیشه‌ی عمر دخترخاله را که در دستش قرار داشت، بر زمین پرتاب می‌کند. دخترخاله‌ی وی بر روی زمین می‌افتد و سبزه‌قبا و بی‌بی‌هما به آسمان پرواز می‌کنند. مادر سبزه‌قبا و خاله‌ی او به آسمان نگاه کرده و متوجه صعود بی‌بی‌هما و سبزه‌قبا به آسمان می‌شوند. آن دو به صورت دو لکه‌ی ابر درآمده بودند و چون دیو و خواهرش، ناتوان از شناسایی و تشخیص سبزه‌قبا و بی‌بی‌هما بودند، مجبور می‌شوند که فکر از بین بردن بی‌بی‌هما را از سر دور کنند. سبزه‌قبا و بی‌بی‌هما نیز به سوی زندگی و خوشبختی خویش روانه می‌شوند. (صفری سنجانی، کبری [در مصاحبه با نگارندگان]، (۱۳۹۹/۱۰/۱۲) (۲).

۲-۴. بررسی ساختار داستان سبزه‌قبا

چنانچه در داستان ذکر شد، بی‌بی‌هما در طی سفر خویش یک سیر ماجراجویانه‌ی اسطوره‌ای را طی مراحل می‌گذراند. «مرحله‌ی نخست، جدا شدن و پانهادن به مرحله‌ی کشف خود که با

۲۴۹ تحلیل روایت «سبزه‌قبا» براساس نظریه «سفر قهرمان» جوزف کمپبل و نظریه سوق‌دهنده‌های اریک برن (صفری سنجانی و نامور مطلق)

سفر همراه است؛ مرحله دوم، تغییر و تحول است و سرانجام در مرحله سوم، بازگشت انجام می‌گیرد.» (گورین، ۱۳۷۷:۱۶۶). در ادامه سیروسلوک، قهرمان داستان سبزه‌قبا مطابق با الگوی پیشنهادی جوزف کمپبل و با تأکید بر نظریه سوق‌دهنده‌های اریک برن در مرحله آزمون‌های کمپبل تحلیل می‌شود.

الف) مرحله نخست، عزیمت

مرحله عزیمت شامل مراحل دعوت به آغاز سفر، رد دعوت، امدادهای غیبی، عبور از نخستین آستان، شکم نهنگ (درون غار) است.

● دعوت به آغاز سفر

همیشه دلیلی برای سفر وجود دارد. در داستان مورد بحث، بی‌بی‌هما تحت فشار نامادری، برای انجام کارهای طاقت‌فرسا قرار گرفته است. به دلیل وجود لزوم رهایی از ظلم و نائل شدن به خویشتن، او به عمق ناخودآگاهش با ندایی دعوت و فراخوانده می‌شود. «این ندا ممکن است صرفاً ندایی درونی باشد؛ پیامی از ناخودآگاه قهرمان که خبر از رسیدن زمان تغییر می‌دهد. قهرمان ممکن است صرفاً از شرایط موجود خسته و بیزار شده باشد. این شرایط ناخوشایند تشدید می‌شود تا اینکه تلنگری نهایی، قهرمان را وارد ماجرا کند.» (ووگلر، ۱۳۸۷: ۱۳۰). دعوت بی‌بی‌هما به ماجرا به صورت اشاره‌های مادر او در مورد وجود این دره و درخواست مکرر از بی‌بی‌هما برای ورود به آن، نشان داده شده است.

● رد دعوت

بی‌بی‌هما تا به حال جسارت و توفیق رفتن به این سفر را پیدا نکرده بود و این بی‌عملی او با وجود توصیه‌های مادرش، نوعی رد دعوت به شمار می‌آید؛ تا اینکه شرایط سخت زندگی بر او غالب می‌شود. «فرد که پشت دیواری از کسالت زندگی روزمره و کار سخت و یا

فرهنگ زندانی شده است، قدرت انجام عمل مثبت را از دست می‌دهد و بدل به یک قربانی می‌شود که نیاز به ناجی دارد.» (کمپیل، ۱۳۹۲: ۶۷). «این حالت با وضعیتی منطبق است که در آن فرد خود را در مانده از ادامه راه و در دام افتاده حس می‌کند و ناچار به مواجهه با ناخودآگاه است.» (فن فرانتس، ۱۳۹۸: ۶۶). این سفر برای قهرمان با هدف کنکاش در درونش برای دستیابی به جنبه‌های پنهان ضمیر ناخودآگاهش اتفاق می‌افتد تا به هدف نهایی یا خویشتن خویش دست یابد (Von Franz, 1996: 19). با افتادن نخ جوراب‌بافی در دره، بی‌بی‌هما مجدداً به سفر ناخودآگاهش دعوت می‌شود. او که از شرایط معمول خسته شده، ناگزیر می‌شود این دعوت را بپذیرد. او از زندگی روزمره جدا می‌شود و به سوی تحول خود قدم گذاشته و سفری را برای یافتن خویشتن خویش آغاز می‌کند. بنابراین بی‌بی‌هما با یادآوری پیام مادر، به داخل دره فرو می‌رود.

● امدادهای غیبی

مادر بی‌بی‌هما به‌عنوان یک امداد غیبی با یادآوری اندرزهایش به قهرمان، همواره به یاری او می‌شتابد. او در موارد بسیاری در نقش ندادهنده و حامی مهربان، مسیر سیروسلوک درونی وی را هموار می‌کند. یونگ این حامی را پیر خردمند می‌نامد که شخصی راهنما در ناخودآگاه او است.

همیشه وقتی پیر ظاهر می‌شود که قهرمان به وضعی سخت و چاره‌ناپذیر دچار است، آن چنانکه تأملی از سر بصیرت یا فکری بکر و به عبارت دیگر کنشی روحی و یا نوعی عمل خودبه‌خود درون روانی می‌تواند او را از مخمصه برهاند. اما چون به‌دلایل درونی و بیرونی، قهرمان توان انجام آن را ندارد، معرفت مورد نیاز برای جبران کمبود به‌صورت فکری مجسم، یعنی در قالب همین پیر دانا و یاری دهنده جلوه می‌کند (یونگ، ۱۳۸۶: ۱۱۴).

● عبور از نخستین آستان

۲۵۱ تحلیل روایت «سبزه‌قبا» براساس نظریه «سفر قهرمان» جوزف کمپبل و نظریه سوق‌دهنده‌های اریک برن (صفری سنجانی و نامور مطلق)

سفر در داستان سبزه‌قبا با نشانه افتادن نخ گیوه‌بافی بی‌بی‌هما در یک دره بزرگ آغاز می‌شود. بر پایه نظریه جوزف کمپبل، در نخستین مرحله سفر اسطوره‌ای «دست سرنوشت، قهرمان را به خود می‌خواند و مرکز ثقل او را از چهارچوب جامعه به سوی قلمروی ناشناخته می‌گرداند. این قلمروی سرنوشت، که هم سرشار از گنج‌ها و هم جایگاه خطرناک است، به شکل‌های گوناگون نمایان می‌شود.» (کمپبل، ۱۳۹۲: ۶۶). در درون بی‌بی‌هما ندایی شنیده شده، گویا روان او آماده تحول است و می‌تواند کشش درونی خود را از عمق تاریک دره که نمادی از ناخودآگاه خویش است، بشنود. «معمولاً ندا در شرایطی خاص به گوش می‌رسد، در یک جنگل تاریک، زیر درختی بزرگ، کنار چشمه‌ای جوشان» (همان: ۶۱). این ندای درونی که از اعماق دره‌ای با درختان بسیار، بی‌بی‌هما را به درون خویش خوانده بود، صدای درونی شده مادر بی‌بی‌هما است که وی را به آغاز سفر قهرمانی ترغیب می‌کند. پیامی تأثیرگذار که سبب می‌شود او راهی سفری ناشناخته و مبهم شود. به این ترتیب سفر قهرمانی بی‌بی‌هما در اعماق دره که نماد ژرفای وجود او است، شروع می‌شود. «قهرمان اسطوره‌ای از کلبه‌ای که محل زندگی عادی و روزمره او است، به راه می‌افتد و به سوی آستان سیروسلوک کشیده می‌شود.» (همان: ۲۵۲). او به کمک نیروهای حمایت‌گر که یکی از آنها مادرش است، از نخستین آستان عبور می‌کند. این نخستین آستان، همانا عبور بی‌بی‌هما از دنیای خارجی به سمت دره‌ای است که تقدیر، او را به سمت آن فراخوانده است.

● شکم نهنگ (درون غار)

اکنون بی‌بی‌هما پس از ورود به دره، از آن عبور می‌کند. «گذر از آستان جادویی، مرحله انتقال انسان به سپهری دیگر است که در آن دوباره متولد می‌شود و این عقده به صورت شکم نهنگ، به عنوان رحم جهان نمادین شده است. در این نماد، قهرمان به جای آنکه بر

نیروهای آستانه پیروز شود یا رضایت آن‌ها را جلب کند، توسط ناشناخته بلعیده می‌شود و به ظاهر می‌میرد.» (همان: ۹۶). انتقال قهرمان به سپهری دیگر، همان ورود به داخل دره است که خود مقدمه باززایی است. شکم نهنگ یا غار، کهن‌الگویی مثالی است و کسی که به چنین غاری گام نهد از طریق نفوذ در ضمیر ناخودآگاه با محتویات آن رابطه برقرار می‌کند (یونگ، ۱۳۶۸: ۹۰).

ب) مرحله دوم، آیین تشریف

مرحله آیین تشریف شامل مراحل جاده‌های آزمون‌ها، ملاقات با خدایان، زن در نقش و سو سه‌گر، آشتی و یگانگی با پدر و برکت نهایی است که در ادامه به این مراحل پرداخته می‌شود.

● جاده‌های آزمون‌ها

بی‌بی‌هما به محض ورود به قلعه، با دیوها و نیروهایی که هم خطرآفرین هستند و هم دارای قدرت جادویی، روبه‌رو می‌شود. قهرمان «به اعماق درونی وجود خود و یا انتهای ناشناخته‌های بیرونی پرتاب می‌شود. در هرسو آنچه او لمس می‌کند، تاریکی نامکشوف است. این ناحیه، محل حضور موجودات دور از تصرف است، که هم مهربان‌اند و هم بدخو.» (کمپبل، ۱۳۹۲: ۳۳۰). «بعضی از این نیروها به شدت او را تهدید می‌کنند (آزمون)، بعضی دیگر با امدادهای جادویی به یاری او می‌آیند» (همان: ۲۵۲). بی‌بی‌هما در ادامه سفر با سایه‌های وجود خود مواجه می‌شود. سایه بی‌بی‌هما در این قسمت خود را به شکل آزمون‌های طاقت فرسا بروز می‌دهد. مرحله جاده آزمون‌ها برای بی‌بی‌هما با نمونه‌های مختلف آزار او توسط مادر سبزه‌قبا در هیئت یک دیو همراه می‌شود. در طول داستان، مادر دیو به صورت موجودی سهمناک و خطرناک به کرات با بی‌بی‌هما روبه‌رو می‌شود و همواره به صورت نمادین و مخاطره‌آمیز، او را تهدید به بلعیده شدن می‌کند. قهرمان «به‌زودی خود

۲۵۳ تحلیل روایت «سبزه‌قبا» براساس نظریه «سفر قهرمان» جوزف کمپبل و نظریه سوق‌دهنده‌های اریک برن (صفری سنجانی و نامور مطلق)

را در چشم‌اندازی سرشار از هیئت‌ها و اشکال سمبلیک خواهد یافت "هیئت‌ها و اشکالی که هر کدام ممکن است او را ببلعند." (کمپبل، ۱۳۹۲: ۱۰۸). آنچه که کمپبل نقل می‌کند به درستی، قابل تطبیق با وضعیت بی‌بی‌هما است. او در طی مراحل پیش‌رو، با آزمون‌هایی روبه‌رو شده ولی در نهایت آن را با موفقیت پشت سر می‌گذارد.

آزمون اول: تمیز کردن حیاط غیرقابل پاکسازی

اولین مرحله آزمون بی‌بی‌هما، تمیز کردن حیاط غیرقابل تمیز شدن قلعه است. زیرا حیاط پس از تمیز کردن بی‌بی‌هما، همان لحظه مجدداً کثیف می‌شود. در مرحله آزمون‌ها، قهرمان با مشکلاتی روبه‌رو می‌شود. «او باید یک سلسله آزمون را پشت سرگذارد... همان امداد رسان غیبی که پیش از ورود به این حیاط با قهرمان دیدار کرده بود، اکنون با پندها، طلسم‌ها و مأموران پنهانی، به‌طور ناگهانی به او یاری می‌رساند.» (همان: ۱۰۵). سبزه‌قبا همان نیروی مهربان و حمایتگری است که به مراتب، بی‌بی‌هما را از خطر تهدیدآمیز محافظت می‌کند. به این ترتیب با کمک سبزه‌قبا، حیاط غیرقابل پاکسازی، تمیز و پاک شده و بی‌بی‌هما از این جاده آزمون گذر می‌کند.

آزمون دوم: شستن ظروف غیرقابل شستشو
آزمون دیگری که بی‌بی‌هما باید از سر بگذراند، شستن ظرف‌های غیرقابل شستشو است. زیرا ظروف پس از شسته شدن توسط بی‌بی‌هما، همان لحظه مجدداً کثیف می‌شوند، طوری که بی‌بی‌هما طاقتش تاب و خسته می‌شود و در عمل کاری انجام نمی‌شود. سبزه‌قبا که طلسم‌ها و ابزار مورد نیاز بی‌بی‌هما را در دست دارد به کمکش می‌شتابد و با خواندن وردی، ظرف‌ها پاکیزه می‌شوند.

آزمون سوم: گذاشتن شمع‌های روشن روی انگشتان بی‌بی‌هما

مادر سبزه‌قبا که متوجه یاری رساندن سبزه‌قبا به بی‌بی‌هما می‌شود، عصبانی شده و درصدد از بین بردن بی‌بی‌هما برمی‌آید. او چند شمع را روی انگشتان بی‌بی‌هما قرار داده و به او دستور می‌دهد تا این شمع‌های روشن بر روی انگشتان او باقی بمانند تا بسوزند. اکنون قهرمان داستان در سخت‌ترین آزمون قرار گرفته است. قرارگیری قهرمان در این سه وضعیت بیانگر رویارویی او با جنبه‌های سایه‌وار خود است. رویایی با سختی طاقت‌فرسا به صورت یک نماد تکرار شونده در هر سه آزمون به طریقی بر قهرمان عارض می‌شود. لازم به ذکر است که او با انجام کار طاقت‌فرسا یک بار دیگر نیز در کودکی توسط نامادری اش روبه‌رو شده بود. درحالی که شمع‌ها بر دستان بی‌بی‌هما در حال سوختن هستند، او از سبزه‌قبا طلب یاری می‌کند. در این هنگام سبزه‌قبا هم به مساعدت او می‌شتابد. سبزه‌قبا وردی می‌خواند و تمام شمع‌ها خاموش می‌شوند. به این ترتیب قهرمان با کمک سبزه‌قبا از این خطر هم جان سالم به‌در می‌برد. سفری که قهرمان در این داستان طی می‌کند، همان فرایندی است که او در آن با مشکلات موجود در ناخودآگاهش رودررو می‌شود. چنانچه اشاره شد، به نظر می‌رسد در سه آزمون فوق‌ارتباطی بین دستور کارهای انجام‌ناپذیر و طاقت‌فرسا توسط دیو با ناخودآگاه بی‌بی‌هما وجود دارد. از نظر تحلیل رفتار متقابل، روبه‌رو شدن با موقعیت‌های زندگی، حاصل کشش و گرایش‌های روحی خود فرد است. گرایش به کارهای طاقت‌فرسا از جمله تمایلات ناخودآگاه است که اریک برن در سوق‌دهنده روانی «سخت‌کوش باش» آن را تعریف می‌کند.

بنابر نظریه اریک برن، انسان خود را در موقعیت‌هایی قرار می‌دهد تا سوق‌دهنده‌های روانی‌اش تقویت شوند. او معتقد است که الگوی زندگی کنونی ما در دوران کودکی ریشه دارد و در دیگر مراحل مهم زندگی بازتاب یافته و تکرار و تقویت می‌شود. بی‌بی‌هما در حقیقت با سوق‌دهنده روانی در مرحله آزمون‌ها روبه‌رو می‌شود. چنانچه اشاره شد اریک

۲۵۵ تحلیل روایت «سبزه‌قبا» براساس نظریه «سفر قهرمان» جوزف کمپبل و نظریه سوق‌دهنده‌های اریک برن (صفری سنجانی و نامور مطلق)

برن از این سوق‌دهنده به‌عنوان «سخت‌کوش باش» نام می‌برد. افراد دارای این سوق‌دهنده سعی می‌کنند کاری را انجام دهند و نه اینکه واقعاً کاری را به انجام برسانند. کلمات «مشکل»، «سخت» و «نمی‌توانم» به‌مراتب از این افراد شنیده می‌شود (جونز و استوارت، ۱۳۹۸: ۳۲۲). همان‌طور که بی‌بی‌هما تلاش می‌کرد ظروف و حیاط را شسته و پاک‌سازی کند، اما عملاً کاری انجام نمی‌شد. این پیام برای افراد دارای این سوق‌دهنده بارز است؛ که فارغ از نتیجه، تو فقط در صورتی خوب هستی که به‌طور مرتب در حال فعالیت‌های طاقت‌فرسا باشی و بدون استراحت و بی‌وقفه سخت تلاش کنی، هرچند اگر کاری هم به سرانجام نرسد. کسی که دارای سوق‌دهنده «سختش کن» است، کودک^(۳) «مطیع و سازگار» درونش با اطاعت از والد درونش هیچ کاری از پیش نمی‌برد. زیرا اگر کاری انجام شود دیگر نمی‌تواند برای انجام آن به سختی بکوشد. این فرد همچنان که سعی می‌کند کارها را انجام دهد، کاری انجام نمی‌دهد (همان: ۳۳۱). همان‌طور که بی‌بی‌هما تلاش می‌کند که ظروف و حیاط را پاک‌سازی کند، ولی کاری انجام نمی‌شود و همان‌طور که او به گذاشتن شمع بر روی انگشتانش به‌عنوان کاری سخت و طاقت‌فرسا دستور داده می‌شود. این سوق‌دهنده روان بی‌بی‌هما که از دوران کودکی توسط نامادری‌اش با فشار گیوه‌بافی به‌شکل طاقت‌فرسا تقویت شده بود، بار دیگر در مرحله‌ی آزمون‌ها خود را نمایان می‌کند. ناخودآگاه افراد دارای این سوق‌دهنده، مرتب آن‌ها را به‌سمت کارهای سخت و انجام‌ناپذیر سوق می‌دهد. «زمانی که «والد» سوق‌دهنده‌ها را سرلوحه‌ی باورهایش قرار دهد، می‌تواند انجام کارها توسط «کودک» را نادیده بگیرد و از «کودک» خواسته‌های غیرواقعی داشته باشد.» (Tudor, 2001: 57) به‌این ترتیب در مرحله‌ی آزمون‌های کمپبل، سوق‌دهنده‌ی روانی «سخت‌کوش باش» فعال و خاطره‌های موجود در ناخودآگاه بی‌بی‌هما بازتولید شده است.

در مغز انسان خاطره‌های موجود در ناخودآگاه که در اثر وجود یک محرک بیرونی به یاد می‌آیند، تولید مجددی است از آنچه که بیمار در موقعیت اصلی تجربه و درک کرده است (برن، ۱۳۹۵: ۶). ناخودآگاه به‌راستی ناخودآگاه است و دقیقاً همان چیزی است که از انسان هیچ‌گونه آگاهی در مورد آن ندارد (یونگ، ۱۳۸۰: ۷۸). قهرمان از بازگشت به ناخودآگاهی که از آن گسسته شده است، هشدار داده می‌شود (سگال، ۱۳۸۹: ۱۷۵). در حقیقت با تکرار موقعیتی که برای بی‌بی‌هما به وجود آمده، به‌جهت عدم تکرار سوق‌دهنده‌اش هشدار داده می‌شود. به این صورت بی‌بی‌هما با ناخودآگاه و سوق‌دهنده روانش روبه‌رو شده و با پشت سر گذاشتن جاده‌آزمون‌ها، از سمبل چالش‌های موجود سرای ناشناخته‌اش گذر کرده است. یونگ معتقد است دشواری‌هایی که برای قهرمان قوه پیش می‌آید، از اختلالات روانی او نشأت می‌گیرد. او به هم‌ذات‌پنداری مخاطب با قهرمان قصه‌های پریان اشاره می‌کند و معتقد است که غالباً اختلالات روانی موجود در روان قهرمان، در روان خوانندگان نیز وجود دارد (Von franz, 1996: 1).

● ملاقات با خدایانو

پس از فائق آمدن بی‌بی‌هما در سه آزمون از مراحل آزمون، او لایق ملاقات و وصال با خدایانو می‌شود. «اگر رهرو داستان ما، به‌جای مردی جوان، دوشیزه‌ای باشد، این اوست که با توان، زیبایی و اشتیاق خود لایق هم‌سری خدایی فناپذیر می‌شود.» (همان: ۱۲۶). بنابراین گفته‌کمپبل، در اینجا خدایانو در قالب یک شخص مذکر ظاهر می‌شود؛ خدایانو همان سبزه‌قا است که بی‌بی‌هما لیاقت هم‌سری او را به دست آورده است. «قبل از تاریخ هم این عقیده وجود داشت که وجود ازلی الهی هم نر است و هم ماده» (یونگ، ۱۳۷۷: ۲۱۴). به‌این‌ترتیب بی‌بی‌هما به ملاقات با خدایانو نائل شده است.

● زن در نقش وسوسه‌گر

۲۵۷ تحلیل روایت «سبزه‌قبا» براساس نظریه «سفر قهرمان» جوزف کمپبل و نظریه سوق‌دهنده‌های اریک برن (صفری سنجانی و نامور مطلق)

در قلعه دو زن وجود دارند. یکی مادر سبزه‌قبا که زمینه انجام آزمایش‌ها را فراهم می‌کند و دیگری که خواهر اوست و با وسوسه‌های خود به این نیرنگ‌ها دامن می‌زند.

● آشتی و یگانگی با پدر

با پشت‌سر گذاشتن بحران، سبزه‌قبا و بی‌بی‌هما به آسمان صعود می‌کنند. «به‌صورت ایده‌نال، کسی که قدرت به او منتقل می‌شود، کسی است که از حالت بشریت مطلق خارج شده و نماینده نیروی کیهانی است که ورای فردیت است. او دوباره متولد شده است. اکنون خود یک پدر است... او به تجربه‌ای نو از شکوه قانون کیهانی می‌رسد، رها از خوف و رجاء و در آرامش، با درک کامل به تماشای مکاشفه بودن می‌نشیند.» (همان: ۱۴۲). بی‌بی‌هما اکنون با تجربه‌ای کیهانی تغییر ماهیت داده، از حالت بشریت خارج شده و به مرحله یگانگی با پدر نائل شده است.

● برکت نهایی

برکت نهایی برای بی‌بی‌هما اکسیر حیات و جاودانگی است. «گویی مرگ نمادین قهرمان سرآغاز دوران پختگی است.» (یونگ، ۱۳۸۶: ۱۶۴). مرگ نمادین بی‌بی‌هما با از بین رفتن هویت گذشته‌اش و تبدیل شدنش به یک لکه‌ابر نمود پیدا می‌کند. بی‌بی‌هما و سبزه‌قبا اکنون به دو لکه‌ابر تبدیل شده‌اند. دیو و خواهرش چون از توانایی تشخیص سبزه‌قبا و بی‌بی‌هما ناتوان بودند، مجبور شدند که از نابود کردن و تعقیب و ربودن بی‌بی‌هما صرف نظر کنند. به‌این ترتیب، آن دو در جهان دیگری با یکدیگر ازدواج می‌کنند.

پیروزی ممکن است به‌صورت ازدواج مقدس یا به‌صورت خدای‌گون شدن خود قهرمان یا اگر نیروها با او از در آشتی درنیابند، آن‌گاه پیروزی به‌صورت ربودن برکتی نمایان می‌شود که قهرمان به‌دنبال آن آمده است. بنابراین به بیداری رسیدن، تغییر هیئت و آزادی است

(کمپیل، ۱۳۹۲: ۲۵۲). این تغییر هیئت و رسیدن به آزادی که کمپیل نقل می‌کند، برای بی‌بی هما به صورت دگردیسی به لکه‌ای ابر، آشکار شده است. او در طی فرایند خودشناسی و دستیابی به خود حقیقی‌اش، متحول و مجدداً متولد شده است. در اینجا صعود بی‌بی هما به همراه سبزه‌قبا و سکونت آن‌ها در بهشتی دائمی، تداعی کننده مرحله برکت نهایی اوست.

ج) مرحله سوم: بازگشت

مرحله بازگشت مراحل را در بر می‌گیرد که شامل امتناع از بازگشت، فرار جادویی، دست نجات از خارج، عبور از آستان بازگشت، ارباب دو جهان و آزاد و رها در زندگی است که در ادامه به آن‌ها می‌پردازیم.

● امتناع از بازگشت

بی‌بی هما که با آغوش باز دعوت سبزه‌قبا را برای جاودانگی پذیرفته است، تمایلی به بازگشت از خود نشان نمی‌دهد. در موارد بسیاری، قهرمانان از بازگشت سر باز زده‌اند و سکونت در سرزمین ایزدبانو را ترجیح داده‌اند (همان: ۲۰۳). «پس از نفوذ در سرمنشأ و با دریافت فضل و برکت، جست‌وجوی قهرمان به پایان می‌رسد. اکنون این ماجراجو باید با غنیمت خود که می‌تواند زندگی را متحول کند، بازگردد؛ ولی بارها و بارها از انجام این مسئولیت سر باز زده‌اند» (همان: ۲۰۳). به این ترتیب بی‌بی هما از بازگشت امتناع می‌کند.

● فرار جادویی

صعود بی‌بی هما و سبزه‌قبا و فرار از دست مادر سبزه‌قبا، همان فرار جادویی است. «اگر قهرمان برخلاف میل نگهبان، گنج غنیمتی را به چنگ آورد یا اگر خدایان راضی به بازگشت قهرمان نباشند، آن‌گاه آخرین مرحله چرخه اسطوره‌ای تبدیل به تعقیب‌وگریزی نشاط‌آور و اغلب خنده‌دار می‌شود.» (همان: ۲۰۶). بی‌بی هما و سبزه‌قبا در تعقیب‌وگریز مادر سبزه‌قبا

۲۵۹ تحلیل روایت «سبزه‌قبا» براساس نظریه «سفر قهرمان» جوزف کمپبل و نظریه سوق‌دهنده‌های اریک برن (صفری سنجانی و نامور مطلق)

قرار می‌گیرند ولی چون به ابر مبدل شده بودند، فرار جادویی آن‌ها با موفقیت به انجام می‌رسد.

● دست نجات از خارج

این بخش در این داستان ذکر نشده است و لزوم آن نیز احساس نمی‌شود. از نظر کمپبل، نبود این مرحله در داستان‌های افسانه‌ای و اساطیری امری طبیعی است. طوری که با نبودن این مرحله نیز داستان کامل است. «در حقیقت تعداد زیادی از قهرمانان افسانه‌ای برای همیشه در جزیرهٔ پربرکت خدایانوی همپ‌شه‌جوان هستی نامیرا، سکنی گزیده‌اند» (همان: ۲۰۳).

● عبور از آستان بازگشت

عبور از آستان بازگشت نیز از کنش‌های مرحلهٔ بازگشت است که در داستان فوق نمود پیدا نکرده است. همان‌طور که ذکر شد، نبود مرحلهٔ بازگشت و زیرمجموعه‌های آن در داستان‌های اساطیری از نظر کمپبل امری بدیهی است.

● ارباب دو جهان

این مرحله نیز از مراحل بازگشت است و در مورد سفر بی‌بی‌هما دیده نمی‌شود.

● آزاد و رها در زندگی

در این داستان، این مرحله که از زیرمجموعه‌های مرحلهٔ بازگشت است، دیده نمی‌شود. به این ترتیب بی‌بی‌هما با پذیرفتن دعوت، جهت شناخت ناخودآگاهش از زندگی عادی خود می‌گذرد. با گذراندن مراحل فوق و با روبه‌رو شدن با ناخودآگاه و سوق‌دهندهٔ روانش، در قالب سفر نمادین به آگاهی از جنبه‌های درون دست یافته و پس از آن دگرگونی بزرگ نمایان می‌شود. طوری که پس از این سفر، او دیگر انسان سابق نیست، بلکه مجدداً متولد و

به هویتی جدید نائل شده است. مراحل سفر بی‌بی‌هما به‌طور مختصر در جدول ۱ آورده شده است.

جدول (۱): مراحل سفر قهرمان داستان «سبزه‌قبا» براساس نظریه تک‌اسطوره سفر قهرمان

جوزف کمپبل و نظریه سوق‌دهنده‌های اریک برن، (ماخذ: نگارندگان، ۱۴۰۰)

مرحله نخست:

عزیمت

۳. **دعوت به آغاز سفر:** دعوت بی‌بی‌هما به آغاز سفر به صورت اشاره‌های مادر او در مورد وجود این دره و درخواست مکررش از بی‌بی‌هما برای ورود به آن نشان داده شده است.
۴. **رد دعوت:** بی‌عملی بی‌بی‌هما با وجود توصیه‌های مادرش نوعی رد دعوت از درون به شمار می‌آید؛ تا اینکه شرایط سخت زندگی بر او غالب می‌شود.
۵. **امدادهای غیبی:** امدادهای غیبی یک بار در قالب رهنمودهای مادرش و بار دیگر نیز در قالب امدادهای غیبی سبزه‌قبا نمود پیدا می‌کند.
۶. **عبور از نخستین آستان:** عبور از دنیای خارجی به‌سمت دره تاریک، مانند دهلیزی نمادین، برای ورود به دروازه ناخودآگاه، همان گذر از نخستین آستان است.
۷. **شکم نهنگ (درون غار):** این مرحله که کمپبل آن را در نظریه‌اش به‌عنوان آخرین مرحله عزیمت بیان می‌کند، با عبور از درون دره مبهم و رازآمیز و ورود به قلعه نمایان می‌شود.

مرحله دوم:

آیین تشریف

۲۶۱ تحلیل روایت «سبزه‌قبا» براساس نظریه «سفر قهرمان» جوزف کمپبل و نظریه سوق‌دهنده‌های اریک برن (صفری سنجانی و نامور مطلق)

۸. **جاده‌های آزمون‌ها:** آزمون اول: تمیز کردن حیاط غیرقابل پاکسازی، آزمون دوم: شستن ظروف غیرقابل شست‌وشو، آزمون سوم: گذاشتن شمع‌های روشن روی انگشتان قهرمان. وجود سوق‌دهنده «سخت‌کوش باش» در پیش‌نویس روانی قهرمان داستان.
۹. **ملاقات با خدایانو:** در اینجا خدایانو در قالب یک شخص مذکر ظاهر می‌شود؛ خدایانو همان سبزه‌قبا است که بی‌بی‌هما لیاقت همسری او را به دست آورده است.
۱۰. **زن در نقش وسوسه‌گر:** در اینجا دو زن وجود دارند که یکی از آن‌ها زمینه انجام آزمایش‌ها را فراهم می‌کند و دیگری که خواهر دیو است با وسوسه‌های خود به این نیرنگ‌ها و آزمون‌ها دامن می‌زند.
۱۱. **آشتی و یگانگی با پدر:** بی‌بی‌هما با تجربه‌ای کیهانی تغییر ماهیت داده و از حالت بشریت خارج شده است. او اکنون خود یک پدر است و به مرحله یگانگی با پدر نائل شده است.
۱۲. **برکت نهایی:** بی‌بی‌هما در کالبدی دیگر، سکونت در بهشتی دائمی را آغاز می‌کند. قهرمان با تجسم یافتن به لکه ابر به آزادی و فناپذیری نائل می‌شود.

مرحله سوم:
بازگشت

- **امتناع از بازگشت:** بی‌بی‌هما که با آغوش باز دعوت سبزه‌قبا را برای جاودانگی پذیرفته است، تمایلی به بازگشت به جامعه از خود نشان نمی‌دهد و از بازگشت امتناع می‌کند.
 - **فرار جادویی:** بی‌بی‌هما و سبزه‌قبا در تعقیب و گریز مادر سبزه‌قبا قرار می‌گیرند؛ ولی چون به ابر مبدل شده بودند، فرار جادویی آن‌ها با موفقیت به انجام می‌رسد.
 - **دست نجات از خارج:** این بخش از سومین هسته اسطوره تک‌قهرمان، در این داستان ذکر نشده است و لزوم آن نیز احساس نمی‌شود.
 - **عبور از آستان بازگشت:** عبور از آستان بازگشت نیز از کنش‌های مرحله بازگشت است که به دلیل عدم بازگشت بی‌بی‌هما، این مرحله در داستان فوق نمود پیدا نکرده است.
 - **ارباب دو جهان:** این مرحله از مراحل بازگشت است و در مورد سفر بی‌بی‌هما دیده نمی‌شود.
 - **آزاد و رها در زندگی:** در این داستان، این مرحله که از زیرمجموعه‌های مرحله بازگشت است، دیده نمی‌شود.
- از دید جوزف کمپل نیز نبودن مرحله بازگشت و زیرمجموعه‌های آن در داستان‌های اساطیری امری بدیهی است.

۲۶۳ تحلیل روایت «سبزه‌قبا» براساس نظریه «سفر قهرمان» جوزف کمپبل و نظریه سوق‌دهنده‌های اریک برن (صفری سنجانی و نامور مطلق)



به این ترتیب بی‌بی‌هما با پذیرفتن دعوت ناخودآگاهش از زندگی عادی خود می‌گذرد. با گذراندن مراحل فوق و با روبه‌رو شدن با ناخودآگاه و سوق‌دهنده‌ی روانش، در قالب سفر نمادین به آگاهی از جنبه‌های درون، دست یافته و پس از آن دگرگونی بزرگ نمایان می‌شود. طوری که پس از این سفر، او دیگر انسان سابق نیست، بلکه مجدداً متولد و به هویتی جدید نائل شده است.

۶. نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر، افسانه بومی و محلی سبزه‌قبا از شهر سنجان با ملاک قرار دادن نظریه تک‌اسطوره‌ی سفر قهرمان کمپبل و نظریه سوق‌دهنده‌های روانی اریک برن تحلیل شد. این روایت، سیر درونی بی‌بی‌هما در رسیدن به خودآگاهی است. سفر آیینی بی‌بی‌هما در طی این داستان رمزی و نمادین است. فرایندی که به صورت گذراندن مراحل مختلف با شناخت لایه‌های روانش رخ می‌دهد. بی‌بی‌هما در مسیر رشد روانی خود با کشف نیمه تاریک وجودش، با ناخودآگاه خود به یگانگی می‌رسد. نقطه اوج روایت فوق، نائل شدن به برکت نهایی است. گویا او از لحاظ روانی تازه متولد شده است؛ بدین سان، سعادت و رهایی او را به عنوان قهرمانی پیروز ذکر می‌کند. به این ترتیب داستان اسطوره‌ای فوق، مخاطبانش را به آشنایی با ابعاد درونی فرامی‌خواند. این داستان اسطوره‌ای و محلی، قدرت انسان را با قابلیت تبدیل شدن به قهرمان زندگی خویش به مخاطبانش یادآوری و آن‌ها را موظف و تشویق به

استحاله روانی جهت تکامل خویشتن می‌کند. بنابراین، این پژوهش گواه وجود تعامل بین انگیزه‌های روانی-اخلاقی و روایی در شکل‌گیری داستان سبزه‌قبا است.

حضور قهرمان اساطیری در داستان سبزه‌قبا بازتاب یافته است و تمام مؤلفه‌های مراحل عزیمت و تشریف در الگوی نظریه سفر قهرمان کمپبل در داستان سبزه‌قبا وجود دارند و تنها مؤلفه‌های بازگشت‌اند که به‌طور کامل در داستان سبزه‌قبا دیده نمی‌شوند. لازم به ذکر است کمپبل نیز در موارد زیادی بر حذف مؤلفه‌های بازگشت در افسانه‌های بومی تأکید می‌کند. تطابق روایت فوق به‌عنوان افسانه‌ای رایج در منطقه بومی سنجان با الگوی نظریه سفر قهرمان جوزف کمپبل نشان می‌دهد که گرایش به طی کردن سیر کمال و رشد شخصیتی به‌عنوان یک کهن‌الگو در ضمیر ناخودآگاه جمعی در تمامی انسان‌ها ارزشی فرامنطقه‌ای محسوب می‌شود. بنابراین این پژوهش نتیجه می‌گیرد بنیان‌های کهن‌الگویی و ارزش‌های روان‌شناختی و اسطوره‌ای در ناخودآگاه جمعی انسان‌ها در ملت‌های مختلف، فارغ از موقعیت‌های جغرافیایی و زبانی، مشترک است که در داستان‌های روایی محلی و بومی متنوع با ساختاری واحد در جهت ترغیب انسان‌ها به شناخت خویشتن خویش نمود پیدا کرده است.

به‌علاوه، از آنجا که در افسانه‌های عامیانه، فرایندهای ناهشیار به شیوه‌ای نمادین بیان شده‌اند، حامل مسائل روانی جامعه هستند و اهمیت زیادی در آشکار ساختن محتویات ناخودآگاه جامعه دارند. این پژوهش نشان می‌دهد که چگونه مشکلات روانی انسان در قالب آزمون‌های مختلف برای حل مسائل درونی او جلوه‌گر می‌شوند. آزمون‌های موجود در سفر قهرمان در حقیقت سایه‌های بی‌بی‌هما بودند که او با روبه‌رو شدن با آنها با سوق‌دهنده «سخت‌کوش باش» در نیمه تاریک وجودش روبه‌رو شد. همچنین این پژوهش نتیجه می‌گیرد که منشأ سوق‌دهنده‌ها را در داستان‌های اساطیری می‌توان جست‌وجو کرد؛ همان

۲۶۵ تحلیل روایت «سبزه‌قبا» براساس نظریه «سفر قهرمان» جوزف کمپبل و نظریه سوق‌دهنده‌های اریک برن (صفری سنجانی و نامور مطلق)

تأثیراتی که از مسیر افسانه‌ها وارد ناخودآگاه شده و نسل به نسل منتقل می‌شوند. بنابراین نظریه سوق‌دهنده‌های اریک برن در قسمت آزمون‌های نظریه سفر قهرمان کمپبل به خوبی بازتاب یافته است؛ زیرا آزمون‌های سفر زندگی مرحله مهمی برای روبه‌رو شدن فرد با خود واقعی‌اش هستند. همچنین وجود سوق‌دهنده‌های نظریه اریک برن، در این افسانه ایرانی بازتاب یافته است. لازم به ذکر است داستان اسطوره‌ای سبزه‌قبا به‌عنوان روایتی روان‌شناختی، مخاطبان‌ش را به رهایی از سوق‌دهنده فوق‌به‌عنوان یکی از مشکلات اساسی در رفتارهای فردی و اجتماعی تشویق می‌کند.

پی‌نوشت‌ها

(۱) گیوه‌بافی یکی از صنایع دستی ایران و گیوه نوعی پای‌پوش ایرانی است. رویه گیوه که از نخ پنبه‌ای تهیه می‌شود، باعث رسیدن هوا به پا شده و آن را خنک نگه می‌دارد. زیباترین گیوه‌ها معمولاً سفید و با نخ پنبه‌ای بافته می‌شوند (سید صدر، ۱۳۸۶: ۳۵۷).

(۲) روایت شفاهی داستان فولکلور از طریق مصاحبه حضوری مؤلفان با کبری صفری سنجانی، اراک: مصاحبه (۱۳۹۹/۱۰/۱۲) [صوت موجود است].

(۳) کودک، والد و بالغ سه حال نفسانی متفاوت را در انسان ایجاد می‌کند. حالت نفسانی شامل مجموعه‌ای از رفتارها، افکار و احساس‌های مربوط به هم هستند که به وسیله آن، بخشی از شخصیت، خود را در یک زمان به‌خصوص نمایان می‌سازد. حالت نفسانی «والد» زمانی است که رفتار، افکار و احساسات فرد شبیه یکی از والدین و یا جانشین روانی والدین باشند، در این حالت والد درون فرد فعال شده است. حالت نفسانی «کودک» زمانی است که رفتار، افکار و احساسات فرد مانند زمانی باشد که کودک بوده است، در این حالت کودک درون فرد فعال شده است (جونز و استوارت، ۱۳۹۸: ۲۳).

کتاب‌نامه

۲۶۶ دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال پنجم، شماره دهم، پاییز و زمستان ۱۴۰۲

- اخوانی، سعید و محمودی، فتانه، (۱۳۹۷). «مطالعه تطبیقی در اساطیر ایران و شرق دور (اسطوره سیاوش ایران و کوتان اوتونای قوم آینو) با رویکرد جوزف کمپبل»، نشریه ادبیات عرفانی و اسطوره شناسی. دوره ۱۴. شماره ۵۳، صص ۴۱-۸۲.

- امامی، نصرالله، (۱۳۷۷). مبانی و روش‌های نقد ادبی. چاپ دوم، تهران: جامی.

- امامی، نصرالله؛ تشکری، منوچهر؛ صالحی مازندرانی، محمدرضا و کشاورز مؤیدی، آسیه، (۱۳۹۴). «بررسی و تحلیل منظومه مانلی نیمایوشیج براساس الگوی سفر قهرمان جوزف کمپبل»، نشریه شعر پژوهی، دوره ۷. شماره ۴، صص ۲۰-۱.

- برفر، محمد. (۱۳۸۹). آینه جادویی خیال. تهران: امیرکبیر.

- برن، اریک (۱۳۹۵). تحلیل رفتار متقابل. ترجمه اسماعیل فصیح. چاپ سوم. تهران: نشر نو.

- بتلهایم، برونو. (۱۳۸۹). کاربردهای افسون. ترجمه کاظم شیوا رضوی. تهران: دستان.

- جونز، ون و استوارت، یان. (۱۳۹۸). تحلیل رفتار متقابل. ترجمه بهمن دادگستر. چاپ بیست و پنجم، تهران: دایره.

- ذیحجی، رحمان و پیکانی، پروین. (۱۳۹۵). «تحلیل کهن‌الگوی سفر قهرمان در داراب نامه طرطوسی براساس الگوی جوزف کمپبل». ادبیات عرفانی و اسطوره شناسی، دوره ۱۲. ش ۴۵، صص ۹۱-۱۱۸.

- سگال، رابرت آلن. (۱۳۸۹). اسطوره. ترجمه فریده فرودفر. چاپ سوم. تهران: بصیرت.

- سید صدر، سید ابوالقاسم. (۱۳۸۶). دایره المعارف هنرهای صنایع دستی و حرف مربوط به آن. تهران: سیمای دانش.

- فروید، زیگموند. (۱۳۸۲). کاربرد تداعی آزاد در روانکاوی کلاسیک. ترجمه سعید شفیعی. چاپ هفتم. تهران: ققنوس.

- فن فرانتس، ماری لوییز. (۱۳۹۸). زن در قصه‌های پریان با رویکرد روان‌شناسی تحلیلی یونگ. ترجمه ماندانا صدرزاده. تهران: روشنگران و مطالعات زنان.

- کمپبل، جوزف. (۱۳۹۲). قهرمان هزار چهره. ترجمه شادی خسرو پناه. مشهد: گل آفتابگردان.

۲۶۷ تحلیل روایت «سبزه‌قبا» براساس نظریه «سفر قهرمان» جوزف کمپبل و نظریه سوق‌دهنده‌های اریک برن (صفری سنجانی و نامور مطلق)

- گورین، ویلفرد.ال و دیگران. (۱۳۷۷). *راهنمای رویکرد‌های نقد ادبی*. ترجمه زهرا میهن خواه. تهران: اطلاعات.

- لومی، سهیلا. (۱۳۹۷). «تحلیل سفر عرفانی شه‌ریار بر اساس نظریه جوزف کمپبل»، نشریه *عرفان اسلامی (ادیان و عرفان)*، دوره ۱۴. شماره ۵۶، صص ۱۱۷ تا ۱۳۸.

- مهدوی، محمدجواد و قره‌باغی، نسترن. (۱۳۹۹). «بررسی سفر قهرمان در *رمان سه‌گانه‌ی آشنوزدنگه اثر آرمان آریز براساس الگوی سفر قهرمان جوزف کمپبل*»، *مطالعات ادبیات کودک*، دوره ۱۱. شماره ۲، صص ۱۵۴-۱۲۹.

- نامور مطلق، بهمن. (۱۳۹۲). *درآمدی بر اسطوره‌شناسی*. تهران: سخن.

- ووگلر، کرسٹوفر. (۱۳۸۷). *سفر نویسنده*. ترجمه محمد گذر آبادی. چاپ سوم. تهران: مینوی خرد.

- یاحقی، محمد جعفر؛ قائمی، فرزاد و اسمعیلی پور، مریم. (۱۳۹۶). «مطالعه برخی از افسانه‌های ایرانی با تکیه بر الگوی خودآگاهی در جنگل جهان زیرین استس»، *فرهنگ و ادبیات عامه*، دوره ۵. شماره ۱۶، صص ۱۹۲-۱۶۱.

- یونگ، کارل گوستاو. (۱۳۷۷). *پاسخ به ایوب*. ترجمه فؤاد روحانی. چاپ دوم. تهران: جامی.

- یونگ، کارل گو ستاو. (۱۳۶۸). *چهار صورت مثالی*. ترجمه پرویز فرامرزی. مشهد: آستان قدس رضوی.

- یونگ، کارل گوستاو. (۱۳۸۰). *انسان در جستجوی هویت خویش*. ترجمه محمود بهفرزی. چاپ دوم. تهران: گلبان.

- یونگ، کارل گوستاو. (۱۳۸۶). *انسان و سمبول‌هایش*. با همکاری ماری لویفرون فرانتس و دیگران، چاپ دوم، ترجمه محمود سلطانیه. تهران: جامی.

References

- Tudor, K. (2001). Children's Groups: Integrating TA and Gestalt Perspectives. *Transactional Analysis Journal*. 21(1): 35-48.

- Von Franz, M.1996. The Archetypal pattern in Fairy Tales Studies in Jungian psychology By Jungian Analysts . Inner City Book.
- _ Barfer, M (2010), The magic mirror of imagination, Tehran: Amir kabir. [In Persian].
- _ Bettelheim, B (1976), The Uses of Enchantment: The Meaning and Importance of Fairy Tales, Translated by Kazem Shiva Razavi, Tehran: Dastan. [In Persian].
- _ Campbell, J (1949), The Hero with a Thousand Faces, Translated by Shadi Khosrow Panah, Mashhad: Gole Aftabgardan. [In Persian].
- _ Campbell, J (1988), The Power of Myth, Abbas Mokhber, 10th edition, Tehran: Nashre Markaz
- _ Cirlot, J (1958), A Dictionary of Symbols, Translated by Mehrangiz Ouhadi, Tehran: Dastan. [In Persian].
- _ Emami, N (1998), Fundamentals and methods of criticism, Tehran: Jami.
- _ Gorin, W (1966). A handbook of critical approaches to literature, Translated by Zahra Mihankhah, Tehran: Ettelaat. [In Persian].
- _ Jung, C (1944), Psychology and alchemy, Translated by Mahmoud Behforozi, Tehran: Jami. [In Persian].
- _ Jung, C (1952), Answer to Job, Translated by Fouad Rouhani, Tehran: Jami. [In Persian].
- _ Jung, C (1952), The Interpretation of Nature and the Psyche, Translated by Latif Sedghiani, first edition, Tehran: Nil. [In Persian].
- _ Jung, C (1964), Man and His Symbols, In collaboration with Marie Franz et al., Translated by Mahmoud Soltanieh, Tehran: Jami. [In Persian].
- _ Namvar Motlagh, B (2013), An Introduction to Mythology, Tehran: Sokhan.
- _ Segal, R (2004), *Myth: a very short introduction*, Translated by Farideh Farnood far, Tehran: Basirat. [In Persian].
- _ Seyed Sadr, A (2007), Encyclopedia of handicrafts and related letters, First Edition, Tehran: Simai. [In Persian].

۲۶۹ تحلیل روایت «سبزه‌قبا» براساس نظریه «سفر قهرمان» جوزف کمپبل و نظریه سوق‌دهنده‌های اریک برن
(صفری سنجانی و نامور مطلق)

_ Vogler, C (1992), *The Writer's Journey: Mythic Structure for Writers*, Translated by Mohammad Gozarabadi, Tehran: Minooye Kherad. [In Persian].

_ Von Franz, M (1996), *The Archetypal Pattern in fairy tales (studies in Jungian psychology by Jungian analysts)*. Inner city book.

_ Von Franz, M (1979), *The Feminine in Fairy Tales*, Translated by Mandana Sadrzadeh, Tehran: Roshangaran & Motaleaate Zanan. [In Persian].

_ Jung, C (1933 *Man in Search of a Soul*, Translated by Mahmoud Behforozi, Tehran: Golban.), Modern. [In Persian].

